

زندگیا

شعرو

موسیقی ایلی

زنانی به رقصی به هنگام شادی، تا که
در این شناخت سهمی از دانسته‌هایت
را ارائه دهی، شعر و موسیقی بختیاری
چیزی نیست، که با گز و معیارهای شهری
سنجیدش، و برای آغاز و انجام آن
فلسفه بافی کرد. صدای دل‌است، همه
وجود است، گونه‌ای سماع است، در ایل
تو با فرد یا افرادی به اسم خواننده‌ها
شاعر و روبرو نیستی، همه می‌خوانند،
همه می‌سرایند از چوپان دل‌واپس
بختیاری گرفته که شب، هنگام بازگشت
" هر سه " ، از خانه می‌کند، ناز

شناخت موسیقی و شعرا ایل
بختیاری، با آن همه گستردگی و فراخی،
با آن همه وسعت، با آن همه معنویت
پربارش، نه به روزی نه به ماهی و سالی
که سالها مرارت می‌خواهد، تلاش طلب
می‌کند، باید که عمری را بپایش صرف
کرد، که نه تنها با آنچه که می‌شنوی که
با آنچه با تمام وجودت تجربه می‌کنی
با این گستردگی روبرو شوی، کنار
بنشیننی به هنگام درو، مونس
و غم‌خوار عزیز از کف داده‌های شوی به
هنگام عزا، و یا دوشادوش، مدانه

گوسفندان خسته از چرای روزش را می‌کشد تا زنی که هر غروب بیاد شوی از دست داده " گاگربو " می‌خواند و می‌گیرد .

در ایل به هنگام کوچ زن و مرد ، کوچک و بزرگ زمزمه می‌کنند ، هر کدام آوازی . . . هر کدام بیتی و سرودی . . .

شعر و موسیقی بختیاری تاریخ ایل است ، شناسنامه قومی است ، شرح رویدادهای کوچک و بزرگ ایل است ،

شرح ناکامی‌ها ، شرح پیروزی‌ها ، شرح غم و دل‌تنگی‌ها ، شرح شادی‌ها . در بیت‌های آهنگین ایل است که جنگاوران

زنده می‌مانند ، در موسیقی ایل است ، هنوز " توشمال " را پای که شیرعلی مردون‌ها همیشه می‌مانند و

تجلیل می‌شوند ، در بیت‌های ایل است که ابوالقاسم خان‌ها باید بمانند و چه پرشکوه و جاودانه .

طبیعت زندگی ایل ، آن همه‌کوه ، آن همه دشت ، آن همه رود و آن همه سختی و مشقت ، آن همه دل‌پاک و روح

بلندپرواز هسته‌های اولیه تولد شعر و موسیقی را سبب شده است تولدی که در کمتر قومی می‌توان نظیرش را دریافت .

شعر و موسیقی در ایل بختیاری

پیوندی جاودانه و همیشگی دارند ، می‌شود درک کرد تولدی همزمان و یکسان داشته‌اند ، حتی تا بدانجا که می‌شود گفت یکی هستند ، تفاوتی ندارند ، آخر تو کمتر بیتی می‌شنوی که موسیقی خاص خودش را نداشته باشد .

این عظمت ، این همه یادگار مالا مال از معنویت و والایی همه میراث آدمهای گمنامی است که ناسمی از خود بیادگار گذاشته‌اند و نه نشانه‌ای . . .

عظمت موسیقی و بیت‌های بختیاری در این گمنامی است . در تعهد و غیرت بختیاری است که قرن‌ها است نگاهش

داشته ، سینه به سینه ، نسل به نسل ، بیت‌ها همه به اندیشه‌ها و می‌دارند ، آوازه‌ایشان تو را به نوعی خلسه

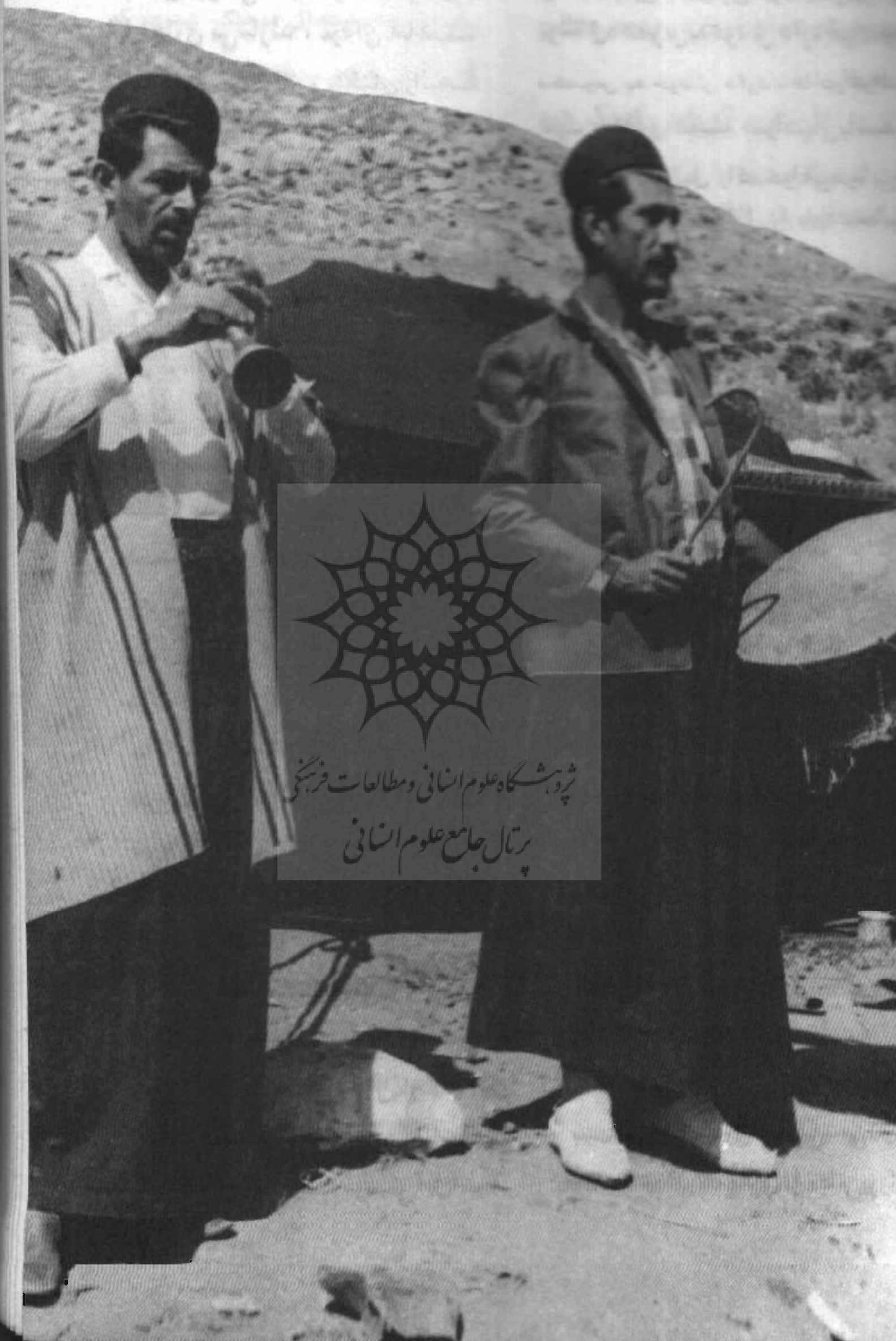
می‌کشاند ، چرا که در زبان شعرگونه بختیاری ، عشق ، عاطفه ، مردی و مردانگی ، شجاعت ، رشادت مفاهیم

خاص و معتبری دارد .

حیات موسیقی ایل قرن‌ها است نسل به نسل از پدر به پسر در گروه " توشمال " ها یعنی همان نوازندگان و

خوانندگان محلی ادامه یافته است ، توشمال‌ها همیشه با ایل هستند ، شریک غم و شادی ایل ، گروهی که لب‌خند بر

پیشانی و پند و اندرز
سینه و سینه و سینه و سینه
سینه و سینه و سینه و سینه
سینه و سینه و سینه و سینه



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

لب‌های ایل می‌گشایند و اشک از دیده
ایل جاری می‌سازند ، مردان قناعت -
پیشه‌ای که حرمت‌کار و راهشان راست
دریافته‌اند و با چه سماجی همه
بی‌مهری‌ها ، همه بی‌اعتنایی‌های ایل
را قرن‌ها است در دل نگاه داشته‌اند و
راه خود را ادامه می‌دهند ، اگر چه به
زبان ایل توشمال یعنی " بزرگان ایل " ، اما
ایل بر طبق سنتی کهنه که در معناتوش
بمعنی توان و قدرت و مال بمعنای ایل
آمده است اما ایل بدنبال سنتی کهن
هنوز قدر توشمال‌ها را نمی‌داند ،
هنوز " توشمال " را پای
سفره‌اش نمی‌نشانند ، هنوز با سختی
جواب سلام او را می‌دهد ، هنوز
توشمال‌ها در ردیف آواره‌های بی‌سرو
سامان ایل هستند ، آنانی که برای مرگ
هر ایلیاتی سازچیی می‌نوازند و با تمام
نیرو و توان با همه وجود ، دلگیری و
غصه‌شان را در دهانه‌ساز یا برتن‌دهل
فریاد می‌کشند ، توشمال‌ها ، گروهی که
بر بلندی‌های نشینند ، می‌نوازند و شاهد
شادی و سرور ایل می‌شوند ، آنچه درباره
این گروه از موسیقی دانان والای ایل
سزاوار ستایش است ، ایمان و سماجت
آنها در ادامه حیات موسیقی ایل است .

در ایل بختیاری هر طایفه و تیره‌های
توشمال مخصوص به خودش دارد خواننده
مخصوص به خودش دارد ، تا در مراسم
سوگ و شادی همیشه همراهشان باشند .
موسیقی ایل را که بخواهی دریابی ،
بی‌تردید بیت‌های ایل را باید بشناسی
هربیتی موسیقی خاص خود را دارد مثل
دی‌بلال ، آهای گل ، گاگریو یا بیت‌های
" شوخی " که همان شبیخون باشد .
موسیقی ایل تنها به مدد دهل و
ساز و کرنا نواخته می‌شود ، هنوز هیچ
ساز غریبه‌ای توان وارد شدن به موسیقی
ایل بختیاری را نداشته است ، اگر چه
گاه گاهی گروهی از نوازندگان کمانچه که
ساکن شهر کرد هستند به هنگام بیلاق
گذری به ایل می‌کنند و سازی می‌زنند ،
اما ایل هرگز آنها را باور نکرده است ،
میدانی به آنها نداده است .
از دهل و ساز و کرنا که بگذریم ،
موسیقی ایل را در نفس چوپانان ایل و
بوسیله نی می‌شنویم ، نی را غالباً به
هنگام قشلاق از شهرهایی مثل شوشتر
و دزفول می‌خرند .
مقام‌های موسیقی ایل بنام
بیت‌های بختیاری معرفی می‌شوند ،
همانند مقام گله‌داری یا مقام برزگری ،

به راهش ادامه می‌دهد ، بگذریم از سالیان رواج ابتذال فرهنگ شهری که حتی ایل را هم بی‌نصیب نگذاشت اما جای امید است که موسیقی بختیاری تسلیم نشده و رنگ نباخته‌است .

از موسیقی بختیاری سخن گفتیم ، باید که از رقص در ایل هم یاد کنیم ، مگر می‌شود رقص را که در حقیقت واکنشی احساسی و عاطفی از همین موسیقی است از یاد ببریم . با رقص است که ایل به تحسین موسیقی قومی‌اش می‌پردازد ، تمامی شور و شوقش را نثار می‌کند ، رقص در ایل نشانی از همبستگی ، اتحاد و عاطفه است ، اصلاً " نشانه مهر است یا که بی‌پروا تر خود مهرباست . در ایل رقص فردی وجود ندارد ، همه می‌رقصند دست در دست یکدیگر ، دوشادوش یکدیگر ، اگر رقصی هم فردی باشد به قصد زور آزمائی است مثل چوب‌بازی ، نوعی نشان قدرت و اعتماد است ، آن هم همراه با موسیقی پرتحرک که یادآور جنگ است ، سبزه‌است .

از رقص‌های رایج و پرتحرک بختیاری رقص " سه‌پا " را باید نام برد ، در این رقص زن و مرد بانوای توشمال‌ها می‌رقصند ، سه قدم برمی‌دارند بعد یک

یا مقام ابوالقاسم خان یا مقام شیرعلی مردون که تعداد آنها در حدود ۲۵ الی ۳۰ مقام است .

" نی شیت " یا نی کوچک و به عبارت دیگر دوزله یا نی جفته که سابقاً از استخوان پای کرکس می‌ساختند ولی به علت کمی این نوع استخوان غالباً آترا از نی می‌سازند که وسیله چوپانان جوان مورد استفاده قرار می‌گیرد ، سابقاً ساز بریظ هم رایج بوده که امروز از آن اثری باقی نمانده است .

امروز دیگر " توشمال " های هنرمند

و ماهر ایل پیر شده‌اند ، علی اکبر توشمال دندانهایش ریخته ، محمد حسن توشمال ناتوان شده ، آنها دیگر نای ساز زدن را ندارند ، اما حضورشان هنوز هم در ایل حضور پر قدری است ، اگر سازی نمی‌زنند اما بیتی می‌خوانند ، زمزمه‌ای می‌کنند . توشمال‌های جوانتر نیز در خطر بیکاری و تهی‌دستی هستند ، اما هنوز با چهل‌جاجت و ایمانی مانده‌اند تحسین سزاوار راهشان ، ایمانشان که اگر روزگاری دل برکنند چه بسا که موسیقی در ایل بمیرد .

موسیقی بختیاری ، اصیل است ، هنوز بی‌تأثیر از زبان‌های فرهنگ شهری

پا را جلو می‌گذارند و یک دست را پائین و دست دیگر را بالا نگاه می‌دارند ، این حرکت با نظم و ترتیب خاص خودش تکرار می‌شود و یا رقص جیران جیران که گروهی است و مرد و زن باهم می‌رقصند و یا رقص "هی دته" که همراه با آهنگی ریتمیک اجرا می‌شود و حرکت دست و پا خیلی تند و سریع است .

از جمله رقص‌های دیدنی ایل رقص آهنگ مجسمه است ، توشمال‌ها به هنگام اجرای این رقص بعد از مدتی نواختن بیکباره ساز را کنار می‌گذارند ، مردوزنی که در حال اجرای این رقص هستند می‌بایست در همان حال و حرکت بایستند و تکان نخورند ، در این هنگام عده‌ای با دادن انعام به توشمال‌ها از آنها می‌خواهند که آهنگ را ادامه دهند .

باید از ایل بشنوی که هرگز در مجلس سرور و شادی کسی یافت نمی‌شود که نرقصد ، مگر آنکه دیگر توان رقصیدن نداشته باشد و گرنه آنکه می‌تواند دستی و پائی را به حرکت درآورد هرگز پشت به این سنت نمی‌کند .